



نگرانی آیت‌الله از قدرت یافتن حزب توده

پیروان آیت‌الله کاشانی که از توسعه نفوذ و آزادی فعالیت حزب توده نگران بودند و از دکتر مصدق رنجیده و با اختیارات قانونگذاری ایشان هم مخالف بودند، دلیلی برای حمایت از ایشان نمی‌دیدند. در اسناد منتشر شده به استناد گزارش‌های سفارت و «هسیا» به مخالفت آیت‌الله و پیروانش با مصدق اشاره شده اما من به اثری از اینکه این اختلاف آفرینی از طرف سفارت القا شده باشد بر نخوردم. به اظهار نگرانی آیت‌الله در یک دیدار سیاسی در باره قدرت یافتن حزب توده اشاره شده و به مطرح شدن احتمال نخست وزیر شدن آیت‌الله هم اشاره و چنین از بابی شده است که «باصدق که با فرهنگ غربی آشنا تر و ناسیونالیست و مخالف کمونیسم است بهتر می‌توان کنار آمد.»

پاسخ به تحلیلی جانبدارانه از افشای مدارک جدید امریکا درباره ۲۸ مرداد

حلقه مفقوده

کارشکنی حزب توده در روایت آبراهامیان نادیده گرفته شد



تهران - کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

سیاستنامه | بعد از انتشار اسناد جدید آمریکا در مورد کودتای ۲۸ مرداد روزنامه «عتماد» اقدام به انتشار یادداشتی از پروانده آبراهامیان کرد که با تقدیر برخی صاحب‌نظران از جمله فریدون مجلسی مواجه شد. اینک تقدیر فریدون مجلسی نسبت به یادداشت مذکور از نظر می‌گذرد.

آنچه اهمیت دارد این است که به نظر می‌رسد در یادداشت آبراهامیان به نقش حزب توده در مساله کودتا به اندازه کافی توجه نشده بود البته در یادداشت حاضر به قلم فریدون مجلسی نیز به نظر می‌رسد به نقش امریکا در این مساله توجه چندانی نشده است.

به همین جهت سیاستنامه بنا دارد در پرونده‌های رادر همین راستا منتشر کند که از زوایای مختلف به جوانب موضوع بپردازد. بخشی از این پرونده به مناسبت سالروز ۳۰ تیر و بخش دیگر آن در سالروز ۲۸ مرداد ماه منتشر خواهد شد.

فریدون مجلسی



پژوهشگر، مترجم و دیپلمات سابق

در صفحه ۱۰ روزنامه اعتماد یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۶ عنوان: «پروانده آبراهامیان جزئیات دیگری از اسناد جدید منتشر شده وزارت خارجه امریکا افشا کرد» با عنوان فرعی «نقش مستقیم سفیر امریکا تالش برای کمربند کردن مساله نفت» به قلم آقای «فرید مرجانی» آمده است که «به عقیده اینجانب» در جایگاه تحلیلگر و کارشناس مسائل بین‌المللی که اسناد جدید را دیده و ۴۰۰ صفحه مرتب آن را خوانده و مرور کرده و بسیاری از وقایع آن ایام را هم به یاد دارم، تحلیل ایشان بیشتر تالشی برای اثبات حقانیت و توجیه اعتقادات آقای آبراهامیان درباره برخی نکاتی است که اسناد منتشر شده به آن اعتقادات مغایرت دارد. در واقع وارد کردن اعتقادات شخصی به تحلیل اینگونه اسناد، مانند تالشی مذهبیون ادیان مختلف در استفاده از شیوه‌ها و مقولات فلسفی برای «اثبات حقانیت اعتقادات خودشان» است. برای رعایت اختصار ابراهامی‌های شکلی و مضمونی خود را در این مورد خلاصه می‌کنم.

آقای آبراهامیان جزئیات جدیدی را افشا کرده‌اند، وزارت خارجه امریکا اسنادش را افشا کرده است. اشاره آقای

خطر کودتای حزب توده

با اینکه، بر خلاف پندار مرحوم مصدق و برخی از مشاورانش، نیازی به نفی ایران در آن زمان هرگز امری اجتناب‌ناپذیر نبود، اما اهمیت آن از لحاظ تنوع بخشیدن به عرصه کنندگان برای تثبیت بهای نفت و ایزاری برای فشار آوردن به دیگران زیاد بود. در اسناد اخیر چندین بار به خطر کودتای حزب توده اشاره شده و حتی مصدق را با ادوارد بنش، نخست‌وزیر دموکرات چکسلواکی مقایسه کرده‌اند که با کودتای کمونیست‌ها سرنگون شد.



ضمیمه در این مجموع اسناد اخیر وزارت خارجه نیز منتشر نشده است. «در واقع انتشار چنین مدرکی می‌توانست بن‌بست آقای آبراهامیان را در ابرایه یک نظریه قابل قبول رفع کند. منظور آقای آبراهامیان فقط این نیست که ثابت کند کودتای امریکا موجب سقوط مصدق شد. آیزنهاور، رئیس‌جمهور وقت در گزارش سالانه‌اش به کنگره، سقوط مصدق را دستور مهم امریکا در سال گذشته می‌نامد. خواه کودتا باشد یا رخ داده، خواه امریکایی باشد یا ایرانی! آقای آبراهامیان با کاستن از نقش منفی و تحریک‌آمیز حزب توده در سرنگونی مصدق، می‌خواهد ارتباط میان حمایت امریکا از سقوط دولت مصدق و حمایت آن کشور از دولت سیهبد زاهدی را با حزب توده انکار و عدم واکنش «صفوف فشرده» حزب توده را در مقابل آنان، بر خلاف دخالت‌شان در قیام ملی ۳۰ تیر، به گردن دکتر مصدق بگذارد که در بعد از ظهر ۲۷ مرداد و پس از دیداری طولانی با هندرسون، سفیر امریکا، اعلامیه‌ای صادر کرد و از طرفدارانش درخواست کرد خیابان‌ها را ترک کنند. این اسناد حکایت از درگیری‌های طرفداران مصدق و افراد حزب توده در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد دارد که منجر به صدور آن دستور شد و در همین اسناد جدید با اشاره مکرر به خطر حزب توده به گزارشی از تظاهرات سالگرد قیام ۳۰ تیر یعنی چهار هفته قبل از ۲۸ مرداد اشاره می‌کند که چگونه صفوف کادرهای حزب توده منظم و منسجم با شمر چندین هزار نفر و صفوف جبهه ملی و طرفداران شان آشفته و در هم ریخته و با شمار اندک بوده است. البته دلایل روشن است، طرفداران جبهه ملی شامل روشنفکران، قضاات، فرهنگیان، دانشگاهیان، پزشکان، وکلا، کارمندان و دانشجویان غیر توده‌ای بود که اغلب از طبقات و کسبانی بودند که اهل تظاهرات خیابانی نبودند. اما پیش‌قدمه قیام کنندگان ۳۰ تیر سال گذشته از پیروان آیت‌الله کاشانی بودند که در سالگرد ۳۰ تیر با توجه به اختلاف اصولی با مصدق دیگر تمایلی به شرکت در تظاهرات نداشتند. بسیاری از اینان همان‌هایی هستند که به موجب همین اسناد در ۲۸ مرداد به خیابان آمدند به سوی شمال شهر حرکت کردند، به شمارشان افزوده می‌شد، به طرف ایستگاه رادیو امیدان آرک ا و تلگراف خانه (امیدان سپه) و خانه مصدق آمدند، و در حدود ظهر تاک‌های ارتشی به آنها پیوستند و به خانه مصدق حمله کردند. سه که گزارش آن در اسناد منتشره از صفحات ۳۹۰ تا ۲۲ به‌طور مشروح آمده است. نمی‌دانم دنبال یافتن اسناد کدام عملیات مجری العقول دیگری هستند؟ آشکات ملیون و برخی از کادرهای قربانی شده حزب توده این بوده است که چرا حزب توده داخله و مقاومت نکرد؟ در واقع به دو نکته باید توجه داشت، نخست اینکه اگر حزب توده دخالت می‌کرد و پیروز می‌شد، آیا سرنوشته مصدق همان سرنوشته ادوارد بنش نمی‌بود؟ در دوم اینکه فقط سال پیش از آن نیز قوای شوروی ناچار از حمایت پیشرویی دست کشیدند و ساطو و فروو باشید. به عبارت دیگر توافق تالشا را در جنگ جهانی دوم میان شوروی و امریکا نباید فراموش کرد، که ایران و یونان سهم دایره نفوذ شوروی نبودند، خصوصا در آن روز که استالین هم دیگر زنده نبود. البته من نیز اشاره‌ای به این نکته اخیر در میان اسناد افشا شده جدید ندیدم. اگر اسناد اشاره‌ای به لیست نامزدهای ۱۸ نفره سفارت امریکا برای نخست‌وزیری در زمان نخست‌وزیر

قدرت یافتن حزب توده بوده است، در اسناد مطبوعی درباره «برکناری مصدق از همان آغاز» ملاحظه نشد. در زمان ترومن حتی از مصدق در مقابل انگلستان حمایت هم می‌کردند. حتی اسناد دوران اولیبه آیزنهاور حکایت از ادامه این حمایت دارد. در کتاب‌های آقای آبراهامیان همه جا بخش اول این نام گذاری یعنی تی. بی حذف شده است. آتی. بی. مخفف حزب توده و از آکس نام ماه شوینده معروف آن زمان بود. این نام گذاری نشان از هدف برنامه در قالب جنگ سرد دارد که می‌توان با جست‌وجوی ساده اینترنتی آن را یافت.

● برخلاف نظر ایشان در اسناد اهمیت نفت هرگز کمربند نشده است. با اینکه، بر خلاف پندار مرحوم مصدق و برخی از مشاورانش، نیازی به نفت ایران در آن زمان هرگز امری اجتناب‌ناپذیر نبود، اما اهمیت آن از لحاظ تنوع بخشیدن به عرصه کنندگان برای تثبیت بهای نفت و ایزاری برای فشار آوردن به دیگران زیاد بود. در اسناد اخیر چندین بار به خطر کودتای حزب توده اشاره شده و حتی مصدق را با ادوارد بنش، نخست‌وزیر دموکرات چکسلواکی مقایسه کرده‌اند که با کودتای کمونیست‌ها سرنگون شد و چکسلواکی در شمار اقبال شوروی درآمد که نشان می‌دهد در شرایط جنگ سرد و جنگ که چگونه نگرانی اولیبه امریکا حزب توده و نفوذ آن بود.

● در اسناد به عنوان «بی» یا «طرح اضطراری» در صورت کودتای حزب توده، پیشنهاد شده است که در صورت وقوع امریکا در کوه‌های زاگرس نیرو بپایه کند و دولتی در کرمانشاه تشکیل دهد تا شوروی‌ها به نفت خوزستان و پالایشگاه آبادان دست نیابند. طبق اسناد حتی در این باب تماس‌هایی با برخی خوابین قشقایی و بختیاری گرفته می‌شود. خوابین طرفدار مصدق قشقایی هم قول می‌دهند که در صورت کودتای کمونیستی با این طرح همکاری خواهند کرد. در این پیشنهاد نشان‌دهنده این است که نقش نفت را هم حتی، بهای تجزیه ایران به شمالی و جنوبی، کمربند نکردند.

آقای آبراهامیان ظاهراً نوشته‌اند: «برخلاف انتظار، این مجموعه مدارک، اطلاعات جدیدی در مورد خود «عملیات» کودتا، جاسوسان، خبرچین‌ها، انتقال پول و عملیات سیاه کاری ارایه نمی‌کند.» می‌فرمایند: «از گزارش ویلبر، یک عضو مهم و خصوصی منتشر نشد. ضمیمه‌ای تحویری اسمی روزنامه‌نگاران، سیاستمداران، سناتورها، روحانیون و نمایندگان مجلسی که از سازمان سیا مواج می‌گرفتند. آن

آبراهامیان به: «تالشی آمریکا» برای کمربند کردن مساله نفت» به دیدگاه شخصی ایشان بازی می‌گردد. این اسناد انعکاس نظرات و تصمیمات داخلی یک سیستم است که ۶۰ سال هم محرمانه بوده است. مقاله تبلیغاتی نیست که در آن تبلیغاتی برای رسیدن به هدفی وجود داشته باشد. اگر در اسناد متلاش قول رئیس سیا آمده بود، «تالشی کینید مساله نفت را کمربند کنید» برداشت ایشان درست بود. کتاب «کودتا» تحلیل‌های هدفمند آقای آبراهامیان در آن کتاب مربوط به قبل از اسناد جدید است. یک سال قبل از ۲۸ مرداد، هنگامی که دکتر مصدق بر سر فرماندهی کل قوا استعفا کرد و قوام‌السلطنه از طرف شاه نخست‌وزیر شد، سه گروه شامل ملیون طرفداران او، پیروان آیت‌الله کاشانی و این‌ها برای نخستین بار کادرهای منضبط و منسجم کارگری و دانشجویی و کارمندی حزب توده که تا روز مصدق را روزوار و عامل استعمار و امپریالیسم معرفی می‌کردند، با استفاده از فرصت، برای گرفتن امتیاز و تقویت نفوذ خود و تشدید غرب ستیزی در میان ایرانیان، به حمایت از او برخاستند و در قیام ۳۰ تیر شرکت کردند. بعد از سقوط دولت مصدق ایران ادر مطرح بوده است که پس از ۲۸ مرداد آن مدافعان «از جان خود گذشتیم، با خون خود نوشتیم: با مرگ یا مصدق» اکنون کجا رفتند؟ چرا سکوت کردند؟ خصوصا در حزب توده این ایراد گرفته می‌شود که انجام سامانی و تشکیلات نظامی مخفی هم داشتند؟ پاسخ واقعی این است که: ● گروه اول یعنی پیروان آیت‌الله کاشانی که از توسعه نفوذ آزادی فعالیت حزب توده نگران بودند و به همین دلیل با دکتر مصدق که آنان را سرکوب نمی‌کرد رنجیده بودند و با اختیارات قانونگذاری ایشان هم مخالف بودند، دلیلی برای حمایت از ایشان نمی‌دیدند. در اسناد منتشر شده به استناد گزارش‌های سفارت و «هسیا» به مخالفت آیت‌الله و پیروانش با مصدق اشاره شده اما من به اثری از اینکه این اختلاف آفرینی از طرف سفارت القا شده باشد، بر نخوردم. به اظهار نگرانی آیت‌الله یک دیدار سیاسی درباره قدرت یافتن حزب توده اشاره شده و در اسناد و گزارش‌ها به مطرح شدن احتمال نخست‌وزیر شدن آیت‌الله هم اشاره و چنین از بابی شده است که «باصدق که با فرهنگ غربی آشنا تر و ناسیونالیست و مخالف کمونیسم است بهتر می‌توان کنار آمد.»

● در اسناد همه جا عنوان «تی. بی. آکس» آتی. بی. ایچکس ذکر شده، که نشان می‌دهد نگرانی اصلی امریکایی‌ها احتمال

نشانه ناتوانی و حماقت آنان می‌بود. درباره حمایت امریکا از پرداخت غرامت بابت دارایی‌های ملی شده انگلیس تردیدی نیست. این مقوله از دید آنان حقوق و اصولی و تضمین‌کننده اصول سرمایه‌داری و احترام به مالکیت بوده است و گر نه همه اقدامات مالی و تجاری خودشان در جهان در معرض صنادره کردن بدون غرامت قرار می‌گرفت. این اسناد او نه تحلیل‌های آقای آبراهامیان، حکایت از آن دارد که نظامیان پاکسازی شده توسط مصدق دور هم جمع شدند تا با کمک معلقطاران مشغول به خدمت علیه مصدق «کودتا» کنند. این اسناد نشان می‌دهد که امریکایی‌ها از آغاز حامی دولت ملی گرای می‌دانستند، اسناد نشان می‌دهد که پس از روی کار آمدن دولت آیزنهاور، مخالفت مصدق با پیشنهادهای مختلف از جمله بانک جهانی، افزایش روز افزون اقتدار حزب توده، پیدا شدن نیروهای مخالف مصدق در داخل، امریکایی‌ها از آغاز سال ۱۳۳۲ تدریجا و بسیار محتاطانه به نظامیان کودتاجی روی آوردند، اسناد از سر تیپ فرزانگان و سیهبد گیلان‌شاه به‌عنوان کسانی که از سوی نظامیان با آنها در تماس بوده‌اند، نام می‌برد. اسناد نشان می‌دهد که حمایت‌شان از نظامیان در قالب همان یارگیری‌های جنگ سرد قرار داشته است، اسناد نشان می‌دهد که وقتی مصدق شاه را متقاعد به خروج از کشور کرده بود، آقایان کاشانی و بهبهانی با آن مخالفت و دسته‌های پیرو خود را برای جلوگیری از خروج ۹ اسفند (و نه بحران ۸ اسفند) به خاتمه اعزام کردند (من آن روز شاهد قتل افشار طوس و دستگیری شرکت‌کنندگان در آن توطئه اشهره می‌کنم، اما گویی متوجه اهمیت عملیاتی آن نبودند. اسناد نشان می‌دهد که زاهدی در تماس‌های خود خواهان حمایت مالی امریکا از دولتش پس از پیروزی کودتا می‌شود و سفیر امریکا پس از مشورت با واشنگتن آن کمک را موکول به پیروزی آنها می‌کند. اسناد نشان می‌دهد که پس از فرزندم و حذف مجلس دلیل مخالفت شاه با نخست‌وزیر بر کردن کودتایی غیر متعارف زاهدی رفق می‌شود و در شرایط حذف مجلس فرمان عزل مصدق و نخست‌وزیر زاهدی را صادر می‌کند. اسناد نشان می‌دهد که هندرسون که عکس آن را فریدون در توسط ارشدی زاهدی دیده و صحت امضای آن را نیز به تأیید مترجم رسمی سفارت افکر می‌کنم علی‌پاشا صانع در اسناد نام او نیامده است، در آخرین دیدار خود در ۲۷ مرداد زبیر کانه از مصدق می‌پرسد: «آیا شاه فرماتی درباره عزل شما می‌کند و سپس می‌گوید «حتی اگر چنان فرامینی صادر کند هم می‌خواند پذیرفت.» اسناد نشان می‌دهد که بعد از شکست اقدام اولیه ۲۵ مرداد که مصدق می‌کردند با بلاغ فرمان، یعنی کودتای کاغذی، مصدق کنار خواهد رفت و کار پایان خواهد یافت، اما متوجه مقاومت او و دستگیری حامل فرمان سرهنگ نصیری و خروج شاه از کشور شد، امریکایی‌ها برای برکناری مصدق را شکست خورد می‌دانستند و در اسناد نیز منعکس است. اسناد بعدی حکایت از گزارش آغاز تظاهرات و مراحل دخالت ارتشیان و سقوط دولت مصدق دارد و نیز حکایت از آن دارد که دور روز بعد آقای سفیر در وقای به عهد

فرصت طلبان قیام ۳۰ تیر

یک سال قبل از ۲۸ مرداد، هنگامی که دکتر مصدق بر سر فرماندهی کل قوا استعفا کرد، سه گروه شامل ملیون طرفداران او، پیروان آیت‌الله کاشانی و بعضی از کارهای منسجم کارگری و دانشجویی و کارمندی حزب توده که تا دیروز مصدق را روزوار و عامل استعمار و امپریالیسم معرفی می‌کردند، با استفاده از فرصت و تقویت گرفتن امتیاز و ایزاری نفوذ خود و تشدید غرب ستیزی، به حمایت از او برخاستند و در قیام ۳۰ تیر شرکت کردند.



کاستن از نقش منفی حزب توده در سرنگونی مصدق

آقای آبراهامیان با کاستن از نقش منفی و تحریک آمیز حزب توده در سرنگونی مصدق، می‌خواهد ارتباط میان حمایت امریکا از سقوط دولت مصدق و حمایت آن کشور از دولت سیهبد زاهدی را با حزب توده انکار و عدم واکنش «صفوف فشرده» حزب توده را در مقابل آنان، بر خلاف دخالت‌شان در قیام ملی ۳۰ تیر، به گردن دکتر مصدق بگذارد که در بعد از ظهر ۲۷ مرداد و پس از دیداری با هندرسون، سفیر امریکا، اعلامیه‌ای صادر کرد و از طرفدارانش خواست خیابان‌ها را ترک کنند. این اسناد حکایت از درگیری‌های طرفداران مصدق و افراد حزب توده در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد دارد که منجر به صدور آن دستور شد و در همین اسناد جدید با اشاره مکرر به خطر حزب توده به گزارشی از تظاهرات سالگرد قیام ۳۰ تیر اشاره می‌کند که چگونه صفوف کادرهای حزب توده منظم و منسجم با شمر چندین هزار نفر و صفوف جبهه ملی و طرفداران شان آشفته و در هم ریخته و با شمار اندک بوده است.



چکی به مبلغ ۵ میلیون دلار برای وام ریز به خزانه خالی ایران به «سیهبد زاهدی» که اکنون نخست وزیر شده بود، تقدیم می‌کند. اسناد نشان می‌دهد که هم انگلیس زخم خورده و فقیر بعد از جنگ از سقوط مصدق خشنود می‌شود و اقداماتی هم برای کمک به برکناری او کرده بود و هم امریکا که نگران توسعه کمونیسم بود، خشنود می‌شود. از روز بعد از استقرار دولت زاهدی دستگیری و سرکوب اعضای حزب توده آغاز و سال بعد منجر به کشف سازمان فرتی حزب توده و سرکوب آن می‌شود، بی‌آنکه قربانیان آن فرصتی برای عرض اندام در راه آرمان از دست رفته خود یافته باشند.

شدن قوام‌السلطنه، یعنی در فاصله چندروزه بازگشت مصدق از لاهه و اختلاف مصدق و شاه بر سر فرماندهی کل قوا و استعفا مصدق و صدور فرمان نخست‌وزیری قوام و دولت سه روزه او نندیدم. این اتهام را می‌توان تائسی از نفرت حزب توده از قوام دانست که در ماجرای آذر بیجان نقش مهمی علیه رفقای دموکرات بازی کرده بود. گزارش سفارت امریکا به واشنگتن درباره پیش‌بینی و حدس اینکه به نظر آنان چه کسی نخست وزیر بماند، به تأیید لیست ۱۸ نفره برای نخست‌وزیری فرقت می‌کند. کمک به روی کار آمدن قوام ۱۱ ساله از سوی امریکا و سقوط سه روزه او پیش از آنکه نشانه نفوذ و سلطه امریکا باشد

از سد آباد تا اختلاف ایران و شرکت نفت انگلیس

۱۷ تیر

انتقاد پیمان «سدآباد» به تهران

ایران، قبل از جنگ جهانی دوم، تحت نفوذ سیاست استعماری انگلیس بود و قدرت متمرکز رضاخان، اداره مملکت را برعهده داشت. باوری کار آمدن آنتونکر در ترکیه، با تحریک انگلستان، در هفدهم تیرماه ۱۳۱۶ ش برابر با هشتم جولای ۱۹۳۷ م، پیمان دوستی عدم تجارز بین ایران، ترکیه، افغانستان و عراق در کاخ سعدآباد تهران به امضا رسید.

۱۸ تیر

خروج میرزا کوچک‌خان جنگلی از رشت

یک ماه پس از اعلام حکومت جمهوری در گیلان توسط انقلابیون جنگلی، قزاقان حمله‌کننده به گیلان توسط ارتش سرخ روسیه متلاشی شدند، اما مدتی بعد، اعضای حزب عدالت وابسته به روسیه، به ترویج مرام کمونیسم در شهر رشت پرداختند. این موضوع، میرزا کوچک‌خان را چنان ناراحت ساخت که در هجدهم تیرماه ۱۳۱۶ ش، سه قومن رفت. پس از خروج اعتراض آمیز میرزا از رشت، در این شهر کودتای سرخ صورت گرفت و بلشویک‌ها اداره امور را به دست گرفتند.

۱۹ تیر

تجاوز روس‌ها به شمال ایران و قتل و غارت روستاها

در ۱۹ تیر ۱۲۸۷ ش، یک کاپیتان روسی به بهانه اینکه اسبش به خاک ایران فرار کرده، به همراه شش سرباز روسی در

مجاهدان تصمیم به فتح تهران و خلع محمد علی شاه از قدرت گرفتند. نخستین جنبشی که برای فتح تهران و برکناری محمدعلی شاه قاجار به عمل آمد در سال ۱۲۸۸ ش و از ناحیه محمدولی خان تکلیبی، سپهدار اعظم و یاران او بود.

فتح شهر بیت المقدس توسط مسلمانان

جنگ های ملیبی که از اواخر قرن یازدهم میلادی از جانب اروپاییان بر مسلمانان تحمیل شد دارای چندین مرحله بود و اشغال سرزمین های شرق و به ویژه تسلط بر منطقه بیت المقدس و آزادی عمل مسیحیان در آن منطقه را دنبال می کرد. فروپاشی خوارزمشاهیان در ایران و نیز عدم وجود دولت قدرتمند اسلامی باعث شد تا صلیبی ها به تحویر کامل بیت المقدس فکر کنند. در این میان، در گیری های پرانگنده مسلمانان و مسیحیان در شهر های مختلف فلسطین، بیشتر با پیروزی مسلمانان همراه بود. همچنین بروز ضعف مسیحیان و ظهور توانمندی مسلمانان باعث شد تا حاکم مصر با سپاهی به جانب بیت المقدس حرکت کرده و در یازده جولای ۱۲۴۴ م به فتح آنجا دست یابد.

۲۱ تیر

قیام مسجد گوهرشاد مشهد علیه کشف حجاب

پس از آنکه زمزمه کشف حجاب به گوش مردم رسید اعتراضات سراسری، کشور را فرا گرفت. در این میان یکی از علمای مشهد در شورای مجتهدان شهر، به عنوان نماینده معرفی شد تا با رضاخان مذاکره کند ولی به محض رسیدن به تهران، به دستور رضاخان بازداشت و در ری ممنوع الملاقات شد. مردم که در مسجد گوهرشاد مشهد به این امر اعتراض داشتند با سخنرانی

خاک ایران شدند و دو ایرانی ساکن در آن منطقه را کشتند. اقوام کشته‌شدگان نیز به انتقام از این رفتار وحشیانه کاپیتان روسی و دو همراه او را کشتند. روس‌ها که خود در بی‌بهاه بودند، پس از آگاهی از این ماجرا، به روستای بی‌زمرد و کشور حمله کرده و به کشتار مردم و غارت روستا پرداختند. چهار روز بعد، روستاهای دیگری را نیز غارت کرده و پس از کشتن عده‌ای از مردم، خانه‌ها را آتش زدند. ابعاد این فاجعه و جنایت به حدی وسیع و دردناک بود که محمدعلی شاه دستور داد تا مراسم جشن تولد او را تعطیل کرده و هزینه‌های آن را صرف مردم خسارت دیده کنند.

تأمین حکومت ویشی به ریاست «پتن» در فرانسه

در جریان جنگ جهانی دوم، مارشال هائری فیلیپ پتن، نخست‌وزیر وقت و افسر فرانسه، در پی شکست این کشور از آلمان نازی، قرارداد آتش بس با آلمان امضا کرد. براساس این پیمان که در روز ۲۲ ژوئن ۱۹۴۰ م امضا شد، شمال فرانسه از جمله پاریس در اشغال ارتش آلمان نازی باقی ماند و پایتخت فرانسه و دولت دست‌نشانده مارشال پتن به شهر ویشی در مرکز این کشور منتقل شد. اگر چه مارشال پتن از قهرمانان جنگ جهانی اول بود، اما امضای این پیمان که به منزله ایجاد دولت دست‌نشانده هیتلر در فرانسه بود، باعث طرد وی از جانب مردم فرانسه شد.

۲۰ تیر

حمله تاریخی مشروطه طلبان برای تصرف تهران

محمدعلی شاه به بهانه تروور ناموفقی خود، مجلس شورای ملی را در توم تیرماه ۱۲۸۷ ش به توم بست و مجاهدان و مشروطه خواهان را سرکوب کرد. این عمل شورش‌های متعددی را در شهرهای گوناگون کشور برانگیخت و سرانجام

چریل و روزولت فرای مسجده گوهرشاد، دعوتی که مقاومت مردم را در تندن به دستور رضاخان به اجتماع آنان یورش برده و در کشتاری خونین و وحشیانه بین ۵ تا ۱۲ هزار نفر را کشتند. برخی این حادثه را در ۳۱ مرداد ذکر کرده‌اند.

مرگ «الکساندر همیلتون» سیاستمدار و نظریه پرداز

الکساندر همیلتون، سیاستمدار و نظریه پرداز سیاسی امریکا در سال ۱۷۵۷ متولد شد. وی طرفدار خواسته‌های میهن پرستان بود و از مبارزان انقلاب امریکا به شمار می‌رفت.

در اندیشه سیاسی همیلتون یک حکومت مقتدر دارای ایگاه ویژه‌ای است در حالی که او به استدلال و حسن نیت توده‌های مردم اعتقاد و اعتماد نداشت. همیلتون در سیاست خارجی معتقد به گرایش امریکا به سوی انگلستان بود و توانست جان آدامز دومین رئیس‌جمهور امریکا را به امضای پیمان اتحاد با انگلستان وادار کند. این پیمان که به نقض قرارداد امریکا و فرانسه منجر شد، باعث بروز اختلاف میان دو کشور و در نتیجه به جنگ امریکا و فرانسه انجامید. الکساندر همیلتون در ۱۲ جولای ۱۸۰۴ در جریان یک دوتل در ۴۷ سالگی کشته شد.

۲۲ تیر

شکست سپاه «محمدعلی شاه» از مشروطه طلبان

در پی اعمال مستبدانه محمدعلی شاه قاجار و سرکوب آزادخواهان، تعدادی از مشروطه طلبان در سال ۱۲۸۸ ش به فکر فتح تهران و دست‌رسنگونی شاه افتادند. این رو به سمت پایتخت به راه افتادند و وارد شهر شدند. پس از آنکه نیروهای محمدعلی شاه، در نیزدهای مختلف از قوای مشروطه شکست خوردند، سرانجام درگیری نهایی در تهران روی داد و مشروطه طلبان به راحتی تهران را تسخیر کردند.

امضای قرارداد اتحاد بین شوروی و انگلستان

چریل و روزولت فرای مسجده گوهرشاد، دعوتی که مقاومت مردم را در تندن به دستور رضاخان به اجتماع آنان یورش برده و در کشتاری خونین و وحشیانه بین ۵ تا ۱۲ هزار نفر را کشتند. برخی این حادثه را در ۳۱ مرداد ذکر کرده‌اند.

مرگ «الکساندر همیلتون» سیاستمدار و نظریه پرداز

الکساندر همیلتون، سیاستمدار و نظریه پرداز سیاسی امریکا در سال ۱۷۵۷ متولد شد. وی طرفدار خواسته‌های میهن پرستان بود و از مبارزان انقلاب امریکا به شمار می‌رفت.

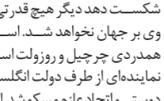
در اندیشه سیاسی همیلتون یک حکومت مقتدر دارای ایگاه ویژه‌ای است در حالی که او به استدلال و حسن نیت توده‌های مردم اعتقاد و اعتماد نداشت. همیلتون در سیاست خارجی معتقد به گرایش امریکا به سوی انگلستان بود و توانست جان آدامز دومین رئیس‌جمهور امریکا را به امضای پیمان اتحاد با انگلستان وادار کند. این پیمان که به نقض قرارداد امریکا و فرانسه منجر شد، باعث بروز اختلاف میان دو کشور و در نتیجه به جنگ امریکا و فرانسه انجامید. الکساندر همیلتون در ۱۲ جولای ۱۸۰۴ در جریان یک دوتل در ۴۷ سالگی کشته شد.

۲۳ تیر میانجیگری «هر بین» بین ایران و شرکت نفت انگلیس

پس از تصویب لایحه ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ش در مجلس سنا، دکتر مصدق به عنوان نخست‌وزیر بر ایران ترصد اجرای این قانون برآمد. دولت ایران در این زمان، آمادگی داشت که خود مستقیماً نفت را صادر کند. از آن طرف خلع‌ید از شرکت نفت انگلستان، دولت این کشور را به عکس‌العمل واداشت و کشتی جنگی به خلیج فارس اعزام کرد. در نتیجه صادرات نفت ایران نیز متوقف شد. در ادامه، شرکت نفت انگلیس به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت برد ولی دولت ایران رسیدگی به اختلاف یک شرکت با یک دولت را در صلاحیت دیوان نمی‌دانست. چون کار اختلاف بالا گرفت، در بیست و سوم تیر ماه ۱۳۳۰ ش، اول هر بین مشاور مخصوص هر می ترومن، رئیس‌جمهور وقت امریکا برای میانجیگری بین شرکت نفت انگلیس و دولت ایران وارد تهران شد.



چریل و روزولت فرای مسجده گوهرشاد، دعوتی که مقاومت مردم را در تندن به دستور رضاخان به اجتماع آنان یورش برده و در کشتاری خونین و وحشیانه بین ۵ تا ۱۲ هزار نفر را کشتند. برخی این حادثه را در ۳۱ مرداد ذکر کرده‌اند.



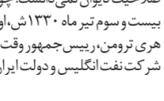
الکساندر همیلتون، سیاستمدار و نظریه پرداز



فریدون مجلسی، مترجم و دیپلمات سابق



فریدون مجلسی، مترجم و دیپلمات سابق



فریدون مجلسی، مترجم و دیپلمات سابق